

# انتخابات راه حلی نبود!

بحران در اسپانیا و یونان ادامه دارد

## مزدک لیان

یکم ژوئیه ۲۰۱۶

(برای سوسیالیسم [www.forsocialism.org](http://www.forsocialism.org))

در یک سال گذشته در سلسله مقالاتی به بحران سیاسی در اسپانیا، پرتغال و یونان پرداختم (۱). در این یادداشت تلاش دارم به برخی از اتفاقات چند ماه اخیر در اسپانیا و یونان بپردازم.

### اسپانیا

در مقاله قبلی گفتم که امروز دو حزب اصلی بورژوازی در اسپانیا وجود دارد: حزب مردم (People's Party) که محافظه کار است و حزب سوسیالیست (PSOE) که سوسیال دموکرات است. سه حزب جدید و جوان هم در چند سال اخیر رشد کرده اند: یکی حزب نسبتاً تازه تاسیس و جوان دست راستی شهروندان (Ciudadanos)؛ دیگری حزب چپ رادیکال پودموس است که از جنبش ایندیگنادوس یا خشمگینان و ائتلاف چند سازمان تروتسکیست برآمد؛ و در آخر ائتلاف موسوم به اتحاد چپ (Izquierda Unida) است که توسط چندین سازمان کوچک در طیف حزب کمونیست تشکیل شد. انتخابات پارلمانی در دسامبر گذشته نه فقط به بحران سیاسی پایان نداد بلکه آن را شدیدتر هم کرد. حزب مردم به رغم اول شدن نتوانست به اکثریت دست یابد و با اینکه ماریانو راخوی رهبر حزب از طرف فلیپه، پادشاه اسپانیا، مامور تشکیل دولت شده بود انصراف داد. سپس پدرو سانچز رهبر حزب سوسیالیست که پس از حزب مردم دوم شده بود مامور شد که دولت ائتلافی را تشکیل دهد. سانچز هم پس از آنکه نتوانست خواسته های چپ های رادیکال حزب پودموس را (که به رغم نظرسنجی ها نزدیک

به ۲۰ درصد رای آورد) مبنی بر عدم ائتلاف با حزب دست راستی شهروندان و نیز تعدیل برنامه های ریاضتی برآورده کند در تشکیل دولت شکست خورد. بنابراین بعد از ماه ها مذاکره بی نتیجه قرار شد در ۲۶ ژوئن بار دیگر انتخابات برگزار شود.

در این مدت حزب پودموس توانست با حزب ائتلافی چپ گرای اتحاد چپ ائتلاف جدیدی تشکیل دهد با نام اونیدوس پودموس (Unidos Podemos) که معنای تحت الفظی اش می شود "متحدا می توانیم". این ائتلاف از ماه مه که تشکیل شد تا آخرین روزهای منتهی به انتخابات در اغلب نظرسنجی ها بسیار موفق بود. نظرسنجی ها حاکی از این بود که ائتلاف جدید چپ رادیکال می تواند با کنار زدن حزب سوسیال دموکرات سوسیالیست با فاصله کمی (سه تا چهار درصد) نسبت به حزب مردم شانس بالایی حتی برای تشکیل دولت داشته باشد.

اما در روز انتخابات همه چیز تغییر کرد. اونیدوس پودموس نه تنها انتظارات را برآورده نکرد که بیش از یک میلیون رای نسبت به انتخابات گذشته از دست داد. حزب مردم راخوی با ۳۳ درصد اول شد. حزب سوسیالیست سانچز با ۲۲ درصد دوم و ائتلاف اونیدوس پودموس با فقط ۲۱ درصد سوم شد. گرچه شدت ناکامی حزب شهروندان باعث شد که حزب مردم نتواند با ائتلاف با آنها بلافاصله دولت را تشکیل دهد. و طبعاً بحران ادامه یابد.

نفس ادامه بحران در اسپانیا نیاز به بررسی جداگانه دارد، اما شکست چپ رادیکال نیز نیاز به تحلیل دارد. چطور است که حزبی که تا روز آخر اینچنین قدرتمند به نظر می آید ناگهان چنین شکستی می خورد؟

این درست است که پودموس در جریان تشکیل دولت در زمستان ۲۰۱۶ نتوانست اقتدار نشان دهد و دولت اقلیت تشکیل دهد، اما ائتلاف جدید قرار بود کمک کند که این بار چپ رادیکال جبهه گسترده تری را دربرگیرد. دلایل متعددی در این چند روزه برای شکست چپ ذکر شده است. یکی افت ده درصدی میزان مشارکت نسبت به انتخابات قبل را پیش می کشد. دیگری شکست چهره پوپولیست-کاریزماتیک شخص ایگلسیاس، رهبر جوان پودموس، را پیش می کشد که با تلاش روزافزون اش برای تبدیل کردن پودموس به حزبی سوسیال دموکرات عملاً بدنه اجتماعی حزب را ناامید کرد. در هردوی این ها البته حقیقتی هست. ایگلسیاس از سال ۲۰۱۴ که پودموس تاسیس شد با رفتار هیپی گونه اش قرار بود صدای جوانان عمدتاً بیکار و مایوس از مناسبات حاکم (چه در سطح سیاسی و چه فرهنگی) باشد، و این حتی در انتقاد به جایش از سیریزای پس از فرمانم ژوئیه ۲۰۱۵ هم مشهود بود. اما او عملاً با چرخش به راست و تلاش بی وقفه در "نرمال" کردن پودموس کاریزمایش را از دست داد. برای مردم پودموس آخرین امید برای خلاص شدن از دست احزاب سنتی بود. خنثی شدن پودموس بنابراین در بی انگیزگی آنها بی تاثیر نیست. اما این همه ماجرا نیست.

برخی ناظران به نکته دیگری هم اشاره می کنند. و آن استفاده راخوی از برگ خروج بریتانیا از اروپا (Brexit) است. اسپانیا روی کاغذ دستکم بیش از دیگر کشورهای اروپا در معرض قدرت گیری جدایی خواهان است، به ویژه اگر اسکاتلند و حتی ایرلند شمالی از بریتانیا جدا شوند. دو منطقه کاتالونیا (ثروتمندترین منطقه کشور) و باسک هردو به شدت متمایل به خروج از

اسپانیا هستند. و این در بخش های دیگر کشور حساسیت زیادی ایجاد می کند. در هر دو منطقه چه احزاب راست و چه چپ ها خواهان جدایی هستند. و این به خصوص در مورد شکست حزب شهروندان که ریشه کاتالان دارد اما مخالف جدایی است مشهود است. بنابراین بازی راخوی با برگ خروج بریتانیا این مزیت را داشت که دستکم بخشی از رای دهندگان را نگران عواقب پیروزی چپ ها کند. و در شرایطی که بدنه اجتماعی چپ ها ناامید شده بودند بازی راخوی نتیجه داد.

ظاهرا عوامل خارجی در انتخابات اسپانیا نقش جدی بازی می کنند. دور قبل مساله "خیانت" سیریزا بود و اکنون مساله خروج بریتانیا. ولی این توضیح به شدت ناکافی است. سوال مهم تر این است که چرا بدنه اجتماعی چپ رادیکال اینچنین مایوس شده است؟ پاسخ را به سادگی می توان در پلاتفرم مطالبات آنها جستجو کرد. این درست که پودموس مانند سیریزا از دانشگاهیان نخبه گرا و از خود راضی تشکیل نشده بود. اما آما توره های پودموس هم وقتی کار به پلاتفرم مطالبات و استراتژی رسید از ارائه پلاتفرم مشخص باز ماندند. جدا از تاکید کودکانه شان بر سوسیالیسم دموکراتیک (که خود در یک سال اخیر کم کم به سوسیال دموکراسی تغییر کرد)، تاکیدشان بر نیازهای اقشار میانی تحصیل کرده (مثل توسعه فناوری ارتباطات، یا افزایش بودجه تحقیقات علمی، یا آزادی دسترسی به اینترنت و مانند آن که به وضوح هدف اش دانشجویان بود) به جای نیازهای واقعی طبقه کارگر مثل ایجاد کار، دستمزد مناسب، بیمه بیکاری کافی و حل مساله بسیار مهم مسکن هم در جداافتادندشان از بدنه اجتماعی که باعث عروج پودموس شده بود تاثیر جدی داشت. و ائتلاف جدید هم کمکی به آنها نکرد. و پلاتفرم مشترک شان هم حول همان مسائل می گشت.

این البته فقط محدود به پودموس نیست. چپ رادیکال در اروپا سال هاست با این مشکلات درگیر است. در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۴ در سوئد هم حزب چپ دچار همین مشکلات بود. آنها که در هفته های نخست تبلیغات انتخاباتی با شعار به جا و درست شش ساعت کار در روز توانسته بودند رشد خوبی در نظرسنجی ها داشته باشند در میانه راه با تغییر موضع و تاکید بر شعارهای انتزاعی بر سر زمینه های مهم محیط زیست و زنان خود را نسبت به کارگران بیگانه کردند که نتیجه بی واسطه اش رشد محبوبیت حزب راست افراطی دموکرات های سوئد بود. در شرایط بحران تنها راه حل چپ پیشبرد استراتژی سوسیالیستی است که مستقیما به زندگی کارگران و حل مشکلات شان معطوف باشد نه شعارهای انتزاعی و مطالبات باب طبع اقشار میانی تحصیل کرده.

## یونان

در یونان هم از انتخابات تابستان گذشته تا امروز بحران سیاسی ادامه دارد. دولت سیریزا که با چرخش صدوهشتاد درجه ای پس از فراندنم درباره طرح ریاضت اقتصادی ترویکا عملا عهده دار تحمیل شدیدترین برنامه های ریاضتی شده است در این مدت همواره با اعتصاب های متعدد بخش های گوناگون روبرو بوده است. اکنون دیگر روشن است که فراندنم فقط قرار بود به سیریزا امکان بدهد که در مذاکره با ترویکا (و البته دیگر احزاب دست راستی یونان) بتواند خودش را به عنوان تنها

نیرویی که می تواند مردم را کنترل کند نشان دهد. باقی اش دیگر (آن طور که جناب واروفاکیس دوست دارد تئوریزه کند) بازی مذاکره است.

در این مدت البته فعالان سیاسی و ژورنالیست ها توانسته اند پرده از خروج میلیاردها یورو از کشور از زمان آغاز بحران بردارند. پرونده فرارهای مالیاتی امروز (و به خصوص پس از رسوایی موسوم به اسناد پاناما) دیگر به مراتب از آنچه در قالب لیست لاگارد منتشر شده بود فراتر رفته است. اما واضح است که دولت سیریزا کمترین انگیزه ای برای اقدام در این باره ندارد. نگرانی سیریزا بیشتر اعمال ریاضت شدیدتر به کارگران است تا دستبرد به سرمایه سرمایه داران. و ظاهرا بهانه شان هم این است که ما طرح افزایش مالیات ثروتمندان را به اروپا دادیم آنها نپذیرفتند.

چپ رادیکال یونان در این مدت حتا از روز انتخابات هم حاشیه ای تر شده است. اتحاد مردمی که تمام برنامه اش را حول مساله خروج از حوزه یورو تنظیم کرده بود آنهم در کشوری که به روایت شاهدان عینی عمده مردم کمترین علاقه ای به خروج از یورو ندارند اکنون در عمل منفعل شده است. و احتمالا اعضایش به میز کارهایشان در دانشگاه ها باز گشته اند. و نتیجه همه اینها فقط دلسردی گسترده مردم و کارگران از چپ بوده است.

در وضعیت بحران اقتصادی و سیاسی کشورهای جنوب اروپا، تنها قدرت متحد طبقه کارگر می تواند راه حلی به نفع تمام زحمتکشان جامعه را عملی کند، چراکه تنها طبقه کارگر اهرم های تولید و اداره جامعه را در دست دارد. به این اعتبار، تنها آن سازمان سیاسی چپی می تواند در دل این بحران سیاسی سخنگوی راستین این طبقه باشد که برنامه و مطالبات و سازمانش معضلات این طبقه را در مرکز فعالیت خود قرار داده باشد. این تنها راه واقعی در شرایط بحرانی حاضر برای مقابله با رشد راست افراطی و برداشتن گامی جدی به سوی سوسیالیسم است.

**زیرنویس:**

- 1) [http://www.wsu-iran.org/bepish/bp89\\_ml\\_porteqal\\_spania.pdf](http://www.wsu-iran.org/bepish/bp89_ml_porteqal_spania.pdf) ; [http://www.wsu-iran.org/baroo/b\\_26.pdf](http://www.wsu-iran.org/baroo/b_26.pdf) ; [http://www.wsu-iran.org/bepish/bp\\_88.pdf](http://www.wsu-iran.org/bepish/bp_88.pdf)